

زندگینامه علامه شعرانی به روایت علامه حسن زاده آملی

حضرت علامه ذوالفقون، حکیم متألّه، حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، فرزند مرحوم حاج شیخ محمد و از نوادگان ملا فتح‌الله کاشانی، صاحب تفسیر منهج‌الصادقین به سال 1320 هجری قمری در شهر تهران دیده به جهان گشود و در بیت علم و فضیلت و تقوا رشد و نمو کرد. در کودکی و نوجوانی، قرآن، تجوید و ادبیات عرب را نزد پدر فراگرفت و کتب رایج در رشته‌های مختلف را در محضر علمای قم و تهران، به‌خصوص مدرسان مدرسه فخریه (مرویه) فراگرفت. ایشان در تهران، ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد ملا ابوالحسن (جد ایشان) به بیان معارف اسلامی برای مردم پرداخته و عمر خود را به مطالعه، تحقیق، تألیف و تدریس گذراند و در حدود سی سال حوزه درس داشت. مرحوم علامه شعرانی، نمونه پایداری در کسب علم و جامعیت در علوم مختلف و تعلیم آن به دیگران بود. وسعت و عمق علمی‌شان از دروسی که در طی سالیان متمادی تدریس می‌کردند، به‌خوبی واضح است؛ چنانچه هیأت فلاماریون را از فرانسه به فارسی ترجمه کردند و برای جمعی درس گفتند. مرحوم سید حسن مدرس (رحمه الله) دستور دادند که ایشان در مدرسه عالی سپهسالار ریاضی تدریس کنند. نکته قابل توجه این است که درس استاد منحصر به خواص و شاگردان نبود، بلکه در جلسات متعددی به بیان اصول و احکام و اخلاق دینی و رفع شبهات می‌پرداختند. در مورد روش تدریس و بیان استاد چنین آمده: آیت‌الله شعرانی مطالب عالی علمی را تنزل می‌دادند تا همگان بتوانند از مواهب دانش که خدا نصیب ایشان کرده، بهره‌مند گردند و شاگردان آن عالم عالیقدر با مثال‌هایی که به خود استاد اختصاص داشت، مطالب علمی را به خوبی درک می‌کردند.

دیگر ویژگی‌های علمی و اخلاقی علامه شعرانی

شاگردان فاضل استاد، خاطرات بسیاری حاکی از صفای درونی و سادگی و خوش‌خلقی و پایداری در تعلیم و تعلّم و بی‌پیرایگی ایشان در عین فراست و دقت نقل می‌کنند. اما آنچه معرفت پارسایی و تواضع و صفا و اخلاص علامه شعرانی به اهل بیت (ع) می‌باشد، مقدمه ایشان بر ترجمه کتاب «نفس المهموم» است که به نقل آن می‌پردازیم: «اما بعد چنین گوید این بنده فانی ابوالحسن بن محمد بن غلام‌حسین بن ابی‌الحسن المدعو بالشعرانی که چون عهد شباب به تحصیل علوم و حفظ اصطلاحات و رسوم بگذشت و اقتدائاً به اسلافی الصالحین من عهد صاحب منهج‌الصادقین، از هر علمی بهره گرفتم و از هر خرمی خوشه برداشتم. گاهی به مطالعه کتب ادب، از عجم و عرب و زمانی به دراست اشارات و اسفار و زمانی به تتبع تفاسیر و اخبار، وقتی به تفسیر و تحشیه کتب فقه و اصول و گاهی به تعمق در مسائل ریاضی و معقول، تا آن عهد به سر آمد. لقد طفت في تلك المعاهد كلها و سرحت طرفي بين تلك المعالم ساليان دراز، شب بیدار و روز در تکرار همیشه ملازم دفاتر و کرایس و پیوسته مرافق اقلام و قراطیس، ناگهان سروش غیب در گوش، این ندا داد که علم برای معرفت است و معرفت، بذر عمل و طاعت و طاعت، بی‌اخلاص نشود و این همه میسر نگرود، مگر به توفیق خدا و توسل به اولیاء؛ مشغولی تا چند؟!»

علم چندان که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

شتاب باید کرد و معاد را زادی فراهم ساخت. زود بر چتر که آفتاب برآمد و کاروان رفت؛ تا یقینی باقی است و نیرو تمام از دست نشده، توسلی جوی و خدمتی کن...»

شاخص‌های علمی علامه شعرانی

مرحوم علامه شعرانی در ابعاد مختلف دین دارای آثار گسترده و قابل توجهی بودند و ما در اینجا تیمناً به ذکر پاره‌ای از این آثار می‌پردازیم. با استناد به بخش تعلیقات علامه شعرانی بر شرح اصول کافی که اثر ملا صالح مازندرانی است، شاخص‌های علمی که ذیلاً شرح آن می‌آید، در زمینه مبادی روش‌های کلامی و دین‌شناسی از شیوه کلی تعلیقات و نحوه برداشت‌های ایشان انتزاع شده و گاه نیز خود به آنها تصریح نموده‌اند و در سایر رشته‌ها نیز نیاز به فحص و تحقیق جداگانه برای بیان شاخصه‌های علمی ایشان است.

1. وسعت گستردگی معلومات: امتیاز برجسته مرحوم شعرانی این است که ایشان از معدود افراد جامع بین معقول و منقول در قرن اخیر و حتی صاحب‌نظر در علوم؛ چون نجوم، ریاضی و طب بوده‌اند. این جامعیت و وسعت معلومات برای اسلام‌شناسی، امتیازی مهم محسوب می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به شرح اصول کافی، جلد سوم، صفحات 69-76 رجوع شود که ایشان از یک حدیث سه سطری، حدود شش برهان بر اثبات وجود حق تعالی استنتاج نموده و نیز در صفحات 369-383 شرح حدیث اول از باب حدوث‌الاسماء که کیفیت ظهور اسمای الهی را تبیین نموده‌اند.

2. دقت و تعمق: مرحوم علامه شعرانی را می‌توان در دقت و تعمق در مسائل علمی و آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)، جزء معدود افرادی دانست که با وجود سعه علمی و گستردگی اطلاعات به هنگام تحلیل و استنتاج لوازم از ملزومات توانایی و ابداع خاصی برخوردارند.

3. روحیه نقادی: روحیه حقیقت‌طلبی مرحوم شعرانی که جز با بررسی و نقادی منصفانه آراء حاصل نمی‌شد، ایشان را به نکاتی دقیق و راهگشا در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی و نیز فهم آیات و روایات رهنمون می‌گشت و احترام بسیار ایشان به علما، هیچ‌گاه مانع از نقادی آثار و آرای آنان نمی‌شد؛ چرا که ادامه حیات علم را در تحری حقیقت و تمییز صحیح از سقیم می‌دیدند.

4. شرح صدر و تقوای علمی: مرحوم شعرانی، واجد خصلت انصاف و تقوای علمی بود. اولین سعی او در فهم هرچه بهتر نظریات دیگران و استدلال‌های آنان بود و آنگاه به تجزیه و تحلیل منطقی به دور از هرگونه تعصب خام و جهت‌گیری و رأی استدلالی می‌پرداخت و گاه در طرح دقیق ادله مخالفان، از خود آنها فراتر می‌رفت و ابتدا ادله را استحکام می‌بخشید، سپس به بررسی و نقد و قبول یا رد آنها می‌پرداخت.

ایشان در مقام تحقیق در عقاید يك دين يا نحله خاص تنها به مسموعات و منقولات درجه دوم اکتفا نمی نمود و خود به منابع دست اول رجوع می کرد و با تسلطی که بر چند زبان زنده دنیا داشتند، حتی الامکان منابع اصلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دادند. ایشان در مذمت به کار بردن حربۀ تکفیر در شرح اصول کافی چنین می فرمایند: «تکفیر توسط اهل ظاهر، مصیبتی است که مسلمانها در اکثر زمانها به جهت اغوای شیطان به آن مبتلا بوده اند، تا اینکه چهره دین را نزد ملحدان مشوه ساخته و علما را از تجهیز و مهارت در دفع شبهات منکرین بازداشته تا نتوانند مبادی عقاید را محکم نمایند.»

5. روشن بینی و قدرت درک مفاهیم و موضوعات جدید: کنجکاوی فطری علامه شعرانی و دید روشن ایشان در درک و فهم علوم بشری علاوه بر علوم دینی همراه با آشنایی به چندین زبان زنده دنیا، دیدگاه و نظرگاه جدیدی را در بینش ایشان به وجود آورده بود؛ به طوری که در بیان مفاهیم اسلامی گاه از نتایج علوم روز و نظریات علمی استفاده می نمودند و گاهی نیز برای توضیح آیه یا روایتی و یا جهت تبیین فلسفه احکام فردی یا اجتماعی اسلام، از تحلیل های تاریخی جامعه شناسی یا روان شناسی یا اقتصادی استفاده می کردند. البته دقت و سواس علمی را برای پرهیز از تفسیر به رأی رعایت می فرمودند.

به نقل از شاگردانشان، از محسنات ایشان این بود که به فکر و آرای قدما در مسائل فقهی خیلی عنایت داشتند و عجیب در ولایت متصلب بودند و در ابتدای کتاب نفس المهموم مرحوم حاج شیخ عباس قمی (رحمه الله) که ترجمه فرمودند، با فرمایش هایی خواندنی و بیاناتی شیرین به پیشگاه اهل بیت ولایت (ع) اظهار علاقه، تضرع و تأدب نموده اند. به درس و بحث و مطالعه و تحقیق نیز عشق بسیار داشتند و اصلاً سر تا پا عشق بودند. شاگردان ایشان نقل می کنند: «چه بسیار برای ما پیش می آمد که نماز صبح را در مدرسه مروی می خواندیم. بین الطلوعین ایشان در منزلشان کفایه می فرمود. کفایه که تمام می شد بعضی ها می نشستند، بعضی ها می رفتند. آقایی برای درس مکاسب ایشان می آمدند. يك نفسی تازه می کرد، برای درس مکاسب می آمد. درس مکاسب گفته می شد، مکاسبی ها می رفتند، بعد ایشان اسفار می فرمود یا شفا یا اشارات و درس های فلسفی می گفتند. چه بسا روزها (خدای علیم و لطیف و خبیر گواه است) که ما در بین الطلوعین می آمدیم برای درس کفایه و سر درس آخری؛ مثلاً مجسطی، زیج بهادری اذان ظهر می گفتند و ایشان از صبح تا ظهر به ترتیب کفایه، اسفار و... تدریس می کردند تا اذان ظهر.»

آثار

آثار چاپ نشده استاد بسیار است اما در اینجا به ذکر آثار مطبوع ایشان اکتفا می کنیم:

در تفسیر و علوم قرآن:

1. حاشیه بر مجمع البیان در ده جلد با تصحیح کامل و اعراب اشعار و توضیح آنها
2. تصحیح کامل تفسیر صافی در دو جلد
3. حواشی و تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ده جلد
4. مقدمه و حواشی و تصحیح کامل تفسیر ابوالفتوح رازی با توضیح اشعار و شواهد عربی و فارسی در دوازده جلد
5. نشر طوبی؛ دائرة المعارف اصطلاحات قرآن تا حرف «ص» است که به سبک جالبی، معانی متفاوت واژه های قرآنی به حسب استعمال در آیات مختلف مطرح شده و مورد تفسیر قرار گرفته و شامل معارف مختلف فلسفی و کلامی و نکات دقیق فقهی و تاریخی است.
6. تجوید قرآن
7. طبع بیش از شصت نسخه از قرآن کریم که با دقت نظر ایشان تصحیح و اعراب گذاری شده است.

در حدیث و درایه:

1. جمع حواشی و تحقیق و تصحیح کتاب وافی ملا محسن فیض کاشانی در سه جلد
2. تعلیقات شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در دوازده جلد
3. تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی از جلد شانزده تا بیست
4. حاشیه بر «ارشادالقلوب» دیلمی
5. ترجمه و شرح دعای عرفه حضرت امام حسین (ع) به ضمیمه کتاب فیض الدموع
6. ترجمه و شرح مفصل صحیفه کامله سجادیه (ع)
7. رساله در علم درایه
8. تحقیق و تصحیح جامع الروات به امر آیت الله بروجردی

در فقه و اصول:

1. المدخل إلی عذب المنهل در اصول
2. شرح کفایة الاصول بر طریقه قال اقول که به تفسیر و توضیح مقاصد آن به عبارت واضح اکتفا شده
3. شرح تبصره علامه حلی که مختصری از کلیه کتب فقهی شیعه امامیه را نیز دربردارد.
4. حاشیه کبیره بر قواعد
5. رساله در شرح شکوک صلاة در عروة الوثقی
6. مناسک حج با حواشی نه نفر از مراجع تقلید
7. فقه فارسی مختصر جهت تدریس

در فلسفه و کلام:

1. شرح تجرید در علم کلام
2. حاشیه بر فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب
3. راه سعادت در اثبات نبوت و رد شبهات یهود و نصاری

4. ترجمه کتاب الامام علي صوت العدالة الانسانية، با انتقاد از لغزش‌هاي نويسنده آن
5. تعليقاتي بر كتاب محمد پيامبر و سياستمدار، نوشته موننگمري وات
6. اصطلاحات فلسفي
7. مقدمه و حواشي محققانه بر اسرارالحكم سبزواري

در هيئت و نجوم:

1. شرح عمل به زيچ هندي و براهين عمليات آن مبتني بر هيئت جديد
2. تعليقه و مستدرک تشریح الافلاك در اشاره به هيئت جديد
3. هيئت فلمايون؛ ترجمه از زبان فرانسه
4. تقويم‌هاي شبانه‌روزي

در تاريخ و فنون ديگر:

1. ترجمه نفس‌المهموم شيخ عباس قمي
2. مقدمه، تصحيح و تحقيق كشف‌الغمة
3. مقدمه و تصحيح منتخب‌التواريخ
4. مقدمه كتاب وقايع‌السنن مرحوم خاتون‌آبادي
5. مقدمه، تصحيح و تعليقات بر كتاب روضة‌الشهداء
6. تصحيح كامل و مقدمه و حاشيه جلد اول و سوم نفائس‌الفنون و عرائس‌العيون آملی

رحلت علامه شعراني

سرانجام اين علامه عالقدر در سن 73 سالگي، دچار ضعف و نقاھت و بيماري قلب و ريه گرديد و پس از چندي به واسطه شدت بيماري به آلمان اعزام شده و در يکي از بیمارستان‌هاي شهر هامبورگ بستري گرديد. ليکن معالجات سودي نبخشيد و پس از نيمه شب يکشنبه 12 آبان ماه سال 1352 مقارن با هفتم شوال سال 1393 هجري قمری در بیمارستان جان به جان آفرين تسليم نمود. پيکر ايشان به تهران منتقل و در جوار حضرت عبدالعظيم (ع) به خاک سپرده شد.

گزیده‌هاي از وصيت‌نامه علمي، معنوي و اخلاقي آيت‌الله شعراني، خطاب به دانشجويان و طلاب علوم ديني

«توصيه‌اي به برادرانم؛ يعني طالبان علوم دين و پژوهندگان آثار سرور انبياء(ص) که بدین کتاب مي‌نگرند؛ بزرگ‌ترين چيزي که بر طالب علم واجب و ضروري است، خالص گردانيدن نيت اوست که بنده را توفيق مي‌دهد و وسائل طاعت خویش را برايش فراهم مي‌آورد و هم اوست که راه درست را در قلوب بندگانش الهام مي‌بخشد. اگر اخلاص نیت نباشد، هیچ کس موفق نمی‌شود از نردبان دانش بالا رفته یا از آموخته‌هاي خود سودي برد... از ديگر اموري که بر طالب علم واجب است، پارسايي و پرهيز از حرام‌ها و مسائل شبهه‌ناک و نیز مواظبت بر عبادات است؛ زیرا هیچ کس از علم خود سودي نمی‌برد، مگر آن را با عمل مقرون سازد. دل‌هاي مردمان نیز به واسطه عالم بي‌تقوا آرامش نمی‌يابد... و واجب است بر طالب علم که قرائت قرآن کریم را در طول شبانه روز ترك نگويد و آن قرائت را به اندازه توانايي خویش با تدبیر و تأمل در ریزه‌کاري‌ها و معاني آیات همراه سازد و در آياتي که به اشکال برمي‌خورد، به تفسير مراجعه کند و نیز واجب است بر ادله گفتار و رفتار و مطالعه آنچه را بيهوده است و به او ارتباطي ندارد و گذارد... و بايد طالب علم نسبت به علما گمان نیکو داشته باشد و این راز موفقیت و وسیله کاميابي و پيروي است و بدگماني به آنان، شقاوت و بدبختي به بار مي‌آورد، بلکه گاهي به کفر و گمراهي و جهل مرکب مي‌انجامد. پس بايد در کلام آنها با عنايتي کامل و تدبيري راستين نگريست... البته مقصود ما این نیست که این بزرگان، معصوم از خطا هستند، بلکه منظور این است که جايز نیست در اولين برخورد سريعاً آنان را تخطئه کرد و نیز واجب است بر طالب علم که عادت به تعصب و خشكي نسبت به کتاب خاص یا طریقه‌اي خاص پيدا نکنند... يك طالب علم بايد در تهذيب نفس خویش کوشا باشد و خود را با اخلاق فاضله آراسته سازد و در این راه تنها به خواندن احاديث وارد شده بسنده نکند، بلکه عمده آن است که با اهل اخلاق همنشين و معاشر گردد و اعمال خود را بر آنان عرضه بدارد و عيوب و کاستي‌هاي خویش را دريابد و از آنان راه‌هاي اصلاح نفس را بجويد. شايسته است بر تو که از معاشرت‌هاي خالي از تعليم با مردم بکاهي، به‌ويژه با ثروتمندان و مترفين و دنياخواهان بايد آنچه را که آخرت را از ياد تو مي‌برد و ميل و رغبت به دنيا را در تو ايجاد مي‌کند، رها کنی و با صالحان و پارسايان و اهل عبادت همراه گردي؛ زیرا این عمل به طور کلي در تهذيب نفس مؤثر است. بدان که رشته‌هاي علوم شرع بسيار است و کمتر اتفاق مي‌افتد که شخصي در تمامي آنها کاردان و صاحب مهارت گردد؛ ولذا بر هر طالب علمي واجب است که بخش‌هايي از این علوم را برگزيند که فايده آن براي مردم بيشتري باشد و در جهت رهايي از گمراهي نیز از توانايي بيشتري بهره‌مند باشد و از آنجا که فراگيري و آموزش همه این علوم، واجب کفائي است، اگر در يك رشته، تعداد عالمان افزايش يافت و در رشته ديگر رو به کاستي يا نابودي نهاد، پس بر طلبه مستعد واجب است که این رشته را برگزيند، هرچند که منزلت و منافع دنيابي او در رشته ديگر نهفته باشد و این از نشانه‌هاي اخلاص نیت در راه فراگيري دانش است و از همین امر دانسته مي‌شود که هدف این دانشجو تنها خداوند متعال است. علمي هستند که در همه رشته‌ها بدانها نیاز هست؛ مانند 1- زبان عربي؛ 2- علم قرائت... هرچند اگر به قرائت يکي از قراء هم اکتفا کند... زیرا حفظ کلمات و الفاظ قرآن از واجبات است و این هم وظیفه اهل علم مي‌باشد و از همین رهگذر است که معجزه بودن قرآن پایدار مي‌ماند؛ 3- سيره؛ 4- حديث: بايد از احاديث پيامبر(ص) و اهل بيت(ع) نمونه‌هاي خوب و شايسته‌اي را بداند؛ زیرا با نگرستن در آن احاديث است که ايمان در قلب آدمي استقرار مي‌يابد و بر راستي آنان در نبوت و امامت يقين حاصل مي‌شود؛ 5- اصول اعتقادات: واجب است بر طالب علم که بر اصول مذهب و آنچه به اعتقادات وابسته است، معرفت داشته باشد... زیرا هر عالمي احتياج به بحث و تقرير و تعليم دارد و این امور جز از رهگذر علم تفصيلي امکان‌پذير نیست، برخلاف عوام مردم که نوعاً به دانستن مختصر و اجمالي اکتفا مي‌کنند... و نبايد در فراگيري علمي قدم پيش گذارد، مگر آنکه مقدمات آن را تکميل کند؛ مثلاً براي پرداختن به تفسير و حديث بايد ابتدا در ادبيات عرب به حد کمال برسد و بخشي از فقه و

کلام را نیز آموخته باشد.